

وزن و جایگاه زنان در جنبش‌های اسلامی: مطالعه موردی حماس

نویسنده: اصلاح جاد *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

ترجمه: فرزانه لطیفی **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۲۵

چکیده

جنبش حماس، همواره روایتی مردانه شده است. اما مقاله حاضر که به قلم یکی از نویسندگان گزارش معروف "توسعه انسانی اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۵" نگاشته شده، نگاهی متفاوت به مساله فلسطین دارد و آن عبارت است از برجسته‌سازی وزن و سهم زنان در تحولات فلسطین و آینده حماس. بنابراین پرسش اصلی مقاله بدین قرار است که مشارکت سیاسی زنان در فلسطین چه تأثیری بر عمل سیاسی اجتماعی حماس به‌جای می‌گذارد. نویسنده با رجوع به منابع معتبر و متعدد بدین جمع‌بندی می‌رسد که با حضور و مشارکت فعال زنان در امور فلسطین گفتمان مسلط مردانه تعدیل و احیای آهنگ تعارضی اجتماعی سیاسی مهار می‌شود. نویسنده این مقاله اشراف مناسبی بر منابع دارد و میدانی و عینی بودن مطالعاتش، داوری‌اش را قابل توجه می‌سازد.

واژگان کلیدی: حماس، زنان، جنبش‌های اسلامی، فلسطین

Source: Inter-Asia Cultural Studies, Vol. 12, no, 2, 2011, pp.1-27.

* مدیر موسسه مطالعات زنان و استادیار مطالعات زنان در دانشگاه بیرزایت

** محقق سیاست بین الملل و مباحث زنان در خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسراییل‌شناسی، سال پانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۳۳-۱۱۹.

عمده مطالعاتی که تا به امروز در حوزه جنبش‌های اسلامی شده، ناظر به توصیف ویژگی‌های ایدئولوژیک و احیانا مبارزاتی آن جنبش‌ها بوده‌اند. البته این توصیفات عموماً یک «دیگری» که زمانی استعمارگران و گاهی صهیونیست‌ها بوده‌اند را در مقابل قرار می‌داده‌اند. این «دیگری» همیشه یک موجودیت بیرونی بود و رفتار مجموعه و یا سازمان جنبش در ارتباط با آن بررسی می‌شد. تا همین اواخر، به دلیل محدود بودن سازمان، اندازه و حوزه عمل جنبش‌های اسلامی، نوع تعامل آنان با سایر گروه‌های منسجم و غیرمنسجم درون جامعه آنان مطرح نبود. از سال ۲۰۰۶ که حرکت مقاومت اسلامی (حماس) در انتخابات پارلمانی فلسطین، در مقابل رقیب عمده‌اش، فتح، اکثریت کرسی‌ها را کسب کرد، اوضاع اندکی دگرگون شده است. این بار حماس نه فقط به عنوان یک جنبش اسلامی وظیفه مقاومت در مقابل اسرائیل و حفظ هویت اسلامی، بلکه وظیفه حکومت و اداره جامعه‌ای با همه گروه‌ها و اقشار گوناگون آن را نیز بر عهده دارد. در این میان، زنان نیز یکی از اقشار جامعه کمابیش سنتی فلسطین هستند که در حال دیده شدن می‌باشند. سوال اصلی این است، مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در فلسطین چه تاثیری بر گفتمان و عمل سیاسی - اجتماعی حماس داشته است؟ همچنین فرضیه مقاله عنوان می‌کند که مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در فلسطین باعث کم‌رنگ شدن گفتمان و کنش مردانه و مبارزه‌جویانه سیاسی - اجتماعی حماس شده است. همان‌طور که گفته شد، حماس یکی از جنبش‌های اسلامی معاصر و تقریباً جدید است. همان‌گونه که همه می‌دانیم، حماس مخفف «جنبش مقاومت اسلامی» (حركة المقاومة الإسلامية) است که شیخ احمد یاسین آن را در سال ۱۹۸۷ به دنبال آغاز انتفاضه اول پایه‌گذاری و به عنوان شاخه اخوان المسلمین فلسطین، کار خود را آغاز کرد. این جنبش به عنوان یک جنبش مقاومت مردمی - ملی با رویکردی اسلامی تاسیس شد. حماس، مبانی اسلامی را اصلی ثابت برای مبارزه با دشمن خود می‌داند و به همین دلیل است که یک جریان گسترده مردمی را در فلسطین با خود همراه کرده است.

با نگاهی به تاریخ مبارزات مردم فلسطین به ویژه قبل از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی در ۱۹۴۸، به خوبی درمی‌یابیم که مقاومت و جهاد در سال‌های حاکمیت انگلستان (از سال

۱۹۲۱ میلادی به بعد) نیز جریان داشته است. گروه‌هایی همچون اخوان المسلمین که شاخه‌ای از اخوان المسلمین مصر بودند، در زمره گروه‌هایی به‌شمار می‌رفتند که هر از چندگاهی در مقابل ظلم و جور ایستادگی می‌کردند. با توجه به همین مطلب، اگرچه جنبش حماس در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷ بیانیه اعلام موجودیت خود را به صورت رسمی منتشر کرد، اما ریشه‌های شکل‌گیری آن نیز به دهه‌هایی پیشتر باز می‌گردد. شکل‌گیری حماس نیز نتیجه فعل و انفعال عوامل عدیده‌ای بود که عبارتند از:

یک. واکنش اخوان المسلمین به تشکیل جنبش جهاد اسلامی

تاسیس جنبش جهاد اسلامی در اواخر سال ۱۹۷۹ به دلیل اختلافات بنیان‌گذاران آن همچون دکتر فتحی شقاقی و عبدالعزیز عوده با مواضع اخوان المسلمین در عرصه فلسطین بود. پایه‌گذاران جهاد اسلامی که به کاهش مقاومت و مبارزات مسلحانه اخوان المسلمین فلسطین اعتراض و انتقادات شدیدی داشتند، جنبش جهاد اسلامی را با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران، با گرایشی اسلامی و رویکردی کاملاً مقاومتی و مبارزاتی علیه رژیم صهیونیستی تاسیس کردند. مردم فلسطین که در آن روزها پس از شکست‌های پی‌درپی در عرصه مبارزه با رژیم صهیونیستی به ستوه آمده بودند، پیوسته به این جنبش روی آوردند و در این بین، جوانان نیز که علاقه بسیاری به مبارزه داشتند، اکثریت اعضای این جنبش را تشکیل می‌دادند. جماعت اخوان المسلمین که عرصه فعالیت خود را در فلسطین با تاسیس جنبش جهاد اسلامی روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌دید، در صدد برآمد گروهی را در فلسطین با همان رویکردهای جنبش جهاد اسلامی ایجاد کند تا بتواند جایگاه قبلی خود را به‌دست آورد؛ البته اخوان المسلمین حتی در دهه‌های قبل از ۱۹۸۰ با اسامی دیگری از جمله «المرابطون علی‌الارض الاسراء» و «جنبش مبارز اسلامی» در عرصه فلسطین فعالیت می‌کرد. حتی شیخ احمد یاسین قبل از تاسیس جنبش حماس، «الجماعه الاسلامیه» را برای همکاری با فعالیت‌های سیاسی اخوان المسلمین در فلسطین (غزه) پی‌ریزی کرده بود. بنابراین، اخوان المسلمین توانست چند سال پس از تاسیس جهاد اسلامی، جنبشی را با رویکرد مقاومتی و گرایشی اسلامی در فلسطین به رهبری شیخ احمد یاسین راه‌اندازی کند.

دو. پیامدهای جنگ ۱۹۶۷

شکست کشورهای عربی از رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۹۶۷، یکی از دلایل شکل‌گیری گروه‌های فلسطینی از جمله حماس است. حتی جهاد اسلامی نیز این شکست کشورهای عربی را دلیلی مبنی بر تاسیس خود و برگرداندن حقوق حقه فلسطینیان می‌داند. حماس نیز به‌عنوان نماینده خیل عظیمی از فلسطینیان که آرمانش برای او حکم مرگ و زندگی را داشت و نمی‌توانست از اشغال باقی مانده اراضی فلسطین در پی شکست ۱۹۶۷ چشم‌پوشی کند، عزم خود را جزم کرد تا با تاسیس آن و به دست گرفتن زمام برخی از امور، راه را هموار نماید.

سه. تحولات دهه ۱۹۸۰

دهه ۱۹۸۰ دوران بسیار مهمی برای فلسطین به‌شمار می‌رود. برخی از تغییر و تحولات مربوط به این دهه، سبب شکل‌گیری حماس شد که به‌صورت مختصر عبارتند از:

- مشی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و جنبش فتح که در این دهه به سبب تحولات داخلی و خارجی با تغییراتی همراه بود و موجب تضعیف آن در زمینه مقاومت شده و دیدگاهش متزلزل شد و سرانجام در ۱۹۸۸ رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت؛
- تجاوز صهیونیست‌ها به جنوب لبنان و محاصره بیروت در ۱۹۸۲ که به‌رغم مقاومت اولیه فلسطینیان در اردوگاه‌های جنوب لبنان، رفته‌رفته مقاومت‌ها کمتر و کمتر شد؛
- جنگ ایران و عراق در ۱۹۸۰ که مساله فلسطین را برای اعراب و جهانیان به یک مساله حاشیه‌ای تبدیل کرد؛

- الحاق بلندی‌های جولان سوریه به رژیم صهیونیستی؛

- انهدام رآکتورهای هسته‌ای عراق توسط جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در ۱۹۸۲؛

- بمباران مقر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تونس در عملیات «حمام‌الشط» در ۱۹۸۵.

چهار. ساختار اولیه حماس

یک سال پس از تاسیس جنبش حماس یعنی در ۱۹۸۸، این جنبش منشوری ۳۶ ماده‌ای را

به تصویب رساند که رسماً به عنوان میثاق نامه جنبش حماس معرفی شد. در این منشور، اهداف این جنبش از قبیل تأسیس حکومت اسلامی، اجرای عدالت، و نابودی اسرائیل آمده است. با اعلام این منشور، حماس به عنوان یک جنبش دارای ساختار اسلامی معرفی شد. ساختار تشکیلاتی حماس به دلایل امنیتی و شرایط پیچیده فلسطین به هیچ وجه آشکار و موجود نیست. حماس در ابتدای تأسیس، دارای یک کادر رهبری در نوار غزه شد که علاوه بر یاسین، عبدالعزیز الرنتیسی و تعداد دیگری از بنیان گذاران جنبش از جمله اسماعیل أبوشنب، جمال منصور و جمال سلیم نیز عضو آن بودند. شیخ احمد یاسین، بنیان گذار جنبش حماس طی سخنانی به صورت خلاصه، حماس و ساختار آن را چنین شرح می دهد: «جنبش حماس، جنبشی مبارزاتی و مقاومتی، علنی و سری است. آنچه مردم از این جنبش می دانند و می فهمند علنی است و آنچه از این جنبش برای مردم غیرمفهوم است، سری و مخفیانه است. از این رو یک جنبش مبارزاتی و مقاومتی نمی تواند تمام اوراقش (یعنی تشکیلات سازمانی خود) را برای مردم آشکار و علنی کند، اما بدانید که این جنبش به شکل شورایی و یک ساختار صحیح اداره می شود.» جنبش حماس در ابتدا دنباله رو مدل اخوان المسلمین بود، به این معنا که به عنوان یک نهاد رفاه اجتماعی عمل می کرد و خدمات اجتماعی و رفاهی زیادی از جمله ساخت بیمارستان، مدرسه، مسجد، مکان های ورزشی، و اطعام فقرا و غیره را در اختیار فلسطینیان قرار می داد. این تلاش ها دقیقاً همانند اقدامات اخوان المسلمین در مصر است. جماعت اخوان المسلمین که حسن البنا آن را در ۱۹۲۸ تأسیس کرده بود نیز در ابتدا به این گونه اقدامات روی آورد تا نظر مردم را به خود جلب کرده و طرفداران زیادی به دست آورد. اما شرایط فلسطین با مصر بسیار متفاوت بود. در مصر، حکومتی از خود مصریان در رأس قرار داشت که دارای سیستم دیکتاتوری بود و با رژیم صهیونیستی نیز رابطه داشت. اما در فلسطین، بحث بر سر «بود و نبود» مطرح می شد؛ چرا که رژیم صهیونیستی در پی اعتقادش به دنبال سرزمین موعود خود از نیل تا فرات است و از طرف دیگر، حماس نیز به دنبال بازپس گیری اراضی اشغالی می باشد. از این رو هر دو طرف به دنبال نابودی یکدیگرند. به همین خاطر، حماس با وارد شدن به فاز مسلحانه مبارزه با اسرائیل، تفاوتی آشکار را با اخوان المسلمین نمایان کرد (البته این مسأله فقط به دلیل تفاوت شرایط حماس و

اخوان المسلمین در فلسطین و مصر است) و در اواخر ۱۹۹۱ با اعلام تأسیس شاخه نظامی خود موسوم به «گردان‌های شهید عزالدین القسام» وارد مرحله دیگری شد. در پی رشد فعالیت‌های نظامی حماس در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳، اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی تصمیم به تبعید ۴۱۵ تن از رهبران حماس به همراه رهبران جنبش جهاد اسلامی به جنوب لبنان (اردوگاه مرج الزهور) می‌گیرد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی شیخ احمد یاسین را نیز در خلال همان سال‌ها بازداشت کرد. بنابراین دستگاه تصمیم‌گیری حماس با این اتفاقات، دچار نوعی ضعف و تزلزل شده و از همین جاست که دفتر سیاسی حماس بروز و ظهور پیدا می‌کند. تأسیس دفتر سیاسی به ۱۹۸۹ بر می‌گردد که البته در آن سال فقط موسی ابومرزوق (نایب رییس کنونی دفتر سیاسی حماس) پیشنهاد ایجاد چنین دفتری را به کادر رهبری حماس داده بود. اما پس از ضرباتی که حماس از بازداشت و تبعید رهبرانش خورد، تصمیم به تأسیس این دفتر قوت گرفت و سرانجام در ۱۹۹۲، ابومرزوق دفتری را با هدف رهبری جنبش در خارج از اراضی فلسطینی تأسیس کرد و خود به‌عنوان اولین رییس آن نیز انتخاب شد. (زارعی، ۱۳۹۰)

بنابراین ساختار تشکیلاتی حماس در سال‌های اولیه پس از تأسیس را می‌توان چنین گفت:

یک. ساختار دفتر سیاسی حماس

رهبری حماس در خارج از اراضی فلسطینی با عنوان دفتر سیاسی شناخته می‌شود. مقر این دفتر در حال حاضر در دمشق، پایتخت سوریه است اما با توجه به حوادث اخیر سوریه، اخباری مبنی بر انتقال این دفتر وجود دارد. تعداد اعضای این دفتر نه نفر می‌باشد که سه نفر از نوار غزه و شش نفر از خارج اراضی فلسطینی هستند. رییس کنونی این دفتر، خالد مشعل و نایب رییس آن، دکتر موسی ابومرزوق هستند. انتخابات این دفتر هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شود، در حالی که تا قبل از ۱۹۹۶ اعضا و رییس آن هر دو سال یک‌بار انتخاب می‌شدند. تمامی تصمیمات اصلی این جنبش به‌ویژه در عرصه سیاسی و نظامی و امنیتی در این دفتر گرفته می‌شود. به‌عبارتی دیگر، دفتر سیاسی در حال حاضر، رهبر حماس محسوب شده و در راس هرم تشکیلاتی این جنبش قرار دارد؛ چرا که پس از شهادت شیخ احمد یاسین و دکتر عبدالعزیز الرنتیسی به‌عنوان بنیان‌گذاران و رهبران اصلی

حماس در نوار غزه، کادر رهبری حماس که اصلی‌ترین نهاد جنبش به‌شمار می‌رفت، از هم پاشید، قدرت تصمیم‌گیری در عرصه حماس رو به ضعف نهاد و اختلافات شدت گرفت. در این میان، دفتر سیاسی به ریاست خالد مشعل که در سال‌های اخیر نیز اقدامات مهم و سودمندی را در خارج از مرزهای فلسطین برای حماس انجام داده است، رهبری را در دست گرفته و خود را به‌عنوان مرجع نهایی و اصلی حماس معرفی کرد.

دو. شاخه نظامی (گردان‌های شهید عزالدین القسام)

۱۲۵

گردان‌های قسام به‌عنوان شاخه نظامی جنبش حماس، شبه‌ارتش این جنبش در نوار غزه محسوب می‌شود. این گردان‌ها به فرماندهی احمد الجعبري توانستند اوضاع را در نوار غزه کاملاً به‌دست گرفته و نقشی اساسی بازی کنند. این گردان‌ها به دو بخش نوار غزه و کرانه باختری تقسیم می‌شود که البته اعضای کرانه باختری آن به دلایل امنیتی مشخص نیستند، مگر اینکه پس از انجام عملیاتی در کرانه باختری، اجراکنندگان عملیات، شهید و یا بازداشت شوند که در آن موقع، مشخصات آنان آشکار می‌شود. اما نوار غزه طبق اخبار خود این گردان‌ها، دارای پنج گردان مخصوص است که عبارتند از: شمال غزه، جنوب غزه (رفح)، مرکز نوار غزه، غزه و خان یونس، رابطه این گردان‌ها از طریق فرماندهی آن با دفتر سیاسی بسیار خوب است، تا جایی که احمد الجعبري، رابط این گردان‌ها و دفتر سیاسی است. تعداد رزمندگان این گردان‌ها دقیقاً مشخص نیست و طبق اخبار برخی خبرگزاری‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر است.

سه. دولت نوار غزه

جنبش حماس در ۲۰۰۶ در انتخابات پارلمانی فلسطین با به‌دست آوردن اکثریت کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری توانست دولت قانونی فلسطین را تشکیل دهد. اما به‌علت اختلافات حماس با فتح، این دولت به‌عنوان یک دولت مستقل فقط در منطقه نوار غزه دولت در اختیار دارد. دولت نوار غزه به نخست‌وزیری اسماعیل هنیه دارای دو وزارت‌خانه است. در جلسات کابینه این دولت به‌غیر از ۲۱ وزارت‌خانه، پنج سازمان نیز شرکت دارند که زیر نظر مستقیم نخست‌وزیر کار می‌کنند.

چهار. فراکسیون تغییر و اصلاح

جنبش حماس دارای یک فراکسیون در مجلس قانون گذاری فلسطین است که به فراکسیون تغییر و اصلاح موسوم است. این فراکسیون در سال ۲۰۰۶ با کسب ۷۴ کرسی، مأمور تشکیل دولت شد. دکتر محمود الرمحي، دبیر این فراکسیون و مشیر المصری مسئول روابط خارجی آن هستند. رییس و نایب اول پارلمان فلسطین نیز از این فراکسیون می باشند.

پنج. دفاتر خارجی

جنبش حماس در برخی از کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عربی و اسلامی دارای یک دفتر نمایندگی است. این دفاتر زیر نظر دفتر سیاسی در سوریه فعالیت می کنند که عبارتند از: دفتر ایران به ریاست دکتر خالد القدومی؛ دفتر یمن به ریاست اسامه عبدالمعطی؛ دفتر لبنان به ریاست علی برکه؛ و برخی دفاتر دیگر در کشورهایی از جمله قطر، سودان، مصر و ... که نماینده آنها مشخص نیست.

شش. شورای رهبری اسرا در زندان های صهیونیستی

آن دسته از رهبران و اعضای جنبش حماس که در زندان های اسراییل در بازداشت به سر می برند، یک شورای رهبری برای اتخاذ تصمیمات مهم جنبش دارند. رأفت ناصیف، از بزرگ ترین رهبران این بخش است. البته برخی از رهبران این شورا در معامله تبادل اسرا با گلعاد شالیت در اواخر سال ۲۰۱۱ آزاد شدند. (زارعی، ۱۳۹۰)

برای بررسی تاثیر فعالیت های زنان بر ایدئولوژی و عمل حماس، هم به بیانیه ها و گفتارها و هم به عمل این سازمان طی دوره قبل و بعد از به حکومت رسیدن آن توجه می کنیم. برای این منظور، ابتدا نگاهی به منشور تاسیس سازمان که اولین متن رسمی حماس می باشد، می افکنیم تا انگیزه ها، اهداف و به خصوص دیدگاه های آن را در مورد نقش زنان در جامعه دریابیم. منشور تاسیس حماس که در ۱۹۸۸ در ماده ۳۵ تدوین شد، عمدتاً به مساله مبارزه با اسراییل و جهاد اشاره دارد. مطابق با ماده نهم این منشور، انگیزه های تشکیل این سازمان، بروز

آشوب، خلط مفاهیم، شجاع شدن ترسوها، جایگزین شدن حقیقت با دروغ و گسترده شدن حکومت شیطان است که همگی ناشی از حاشیه‌نشینی اسلام است. بنابراین طبق ماده ده، هدف سازمان دفاع از مظلومین و مقابله با ظالمین زیر پرچم اسلام می‌باشد. عقاید بنیادین حماس پیرامون ملی‌گرایی و وطن در ماده دوازدهم نمود می‌یابد؛ «مبارزه برای وطن، وظیفه‌ای فردی بر عهده هر مرد و زن مسلمان تلقی می‌شود؛ یک زن باید برای مبارزه بیرون برود حتی بدون اجازه شوهرش و یک برده بدون اذن اربابش.» ماده پانزدهم نیز مجدداً تلاش برای آزادسازی فلسطین را وظیفه‌ای فردی قلمداد می‌کند. در ماده هفدهم این منشور که به نقش زنان مسلمان می‌پردازد، آمده است که «نقش زنان مسلمان در جنگ آزادی کمتر از نقش مردان نیست؛ آنها مردان را تربیت می‌کنند و نقش بسیار مهمی در هدایت و آموزش نسل ایفا می‌کنند. دشمنان این نقش را فهمیده‌اند پس متوجه هستند که اگر آنان را به فاصله گرفتن از اسلام آموزش دهند، پیروز جنگ خواهند بود.» ماده هجدهم هم در همین رابطه اشعار می‌دارد که «زنان در خانه و خانواده مجاهدین، چه مادران و چه خواهران، وظیفه بسیار مهم خانه‌داری و بچه‌داری براساس مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی اسلام، و آموزش دادن پسران به توجه به دستورات دینی درباره آماده شدن برای وظیفه جهاد پیش رو را دارند.» از همین جا معلوم می‌شود که مخاطب منشور به‌طور پیش‌فرض مردان هستند، مگر آنکه اختصاصاً به زنان اشاره شود. نقش زنان نیز از کار منزل و تربیت فرزندان چندان فراتر نمی‌رود. به‌عبارتی، زنان به‌عنوان یک قشر در عرصه عمومی مطرح نیستند. (The Jerusalem Fund, 1988)

«انتفاضه الاقصی» در ۲۰۰۰ متعاقب نارضایتی فلسطینی‌ها از فرایند اوسلو و شکست نشست سران کمپ دیوید در جولای ۲۰۰۰ آغاز شد. انتفاضه دوم سرآغاز جنبش نظامی بزرگی شد که خیل عملیات استشهادهای فلسطینیان در مناطق اسرائیلی و ظهور زنان در این عملیات‌ها، از نشانه‌های بارز آن بود. پس از استشهادهای وفا ادریس، زن فلسطینی، که منجر به کشته شدن یک اسرائیلی و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ تن دیگر در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۲ در جاده شلوع جفا شد، روزنامه‌های سراسر جهان به تحسین، محکوم کردن و یا ابراز سردرگمی نسبت به این رویداد پرداختند. روزنامه لندنی عربی زبان القدس/العربی هیجان زده نوشت: «این اولین باری است که یک زن جوان مواد منفجره به خود

می‌بندد و در جاده جفا در قلب یک شهر اشغالی استشهد می‌کند. پس او به شهدا می‌پیوندد و الگویی تاریخی برای زنان عرب و مسلمان می‌شود» (Ebel, 2012, 5,6)

استشهاد زنان در فلسطین تبدیل به بخش مهمی از راهبرد مبارزاتی شد. شیخ احمد یاسین، رهبر معنوی حماس، در ۲۰۰۴ گفت که در انتفاضه الاقصی از زنان با این جمله که «ارتش جایگزین در شرایط ضروری استفاده شد»، یاد کرد. با ادامه انتفاضه، زنان جزوی از یک تحول مهم شدند. زنان در مقایسه با مردان مبارز، دسترسی راحت‌تری به اهداف اسراییلی پیدا کردند. همه عملیات وفا ادریس و زنان دیگر، طی ماه‌های بعد از آن، امتیاز تاکتیکی مهمی برای مبارزه ملی فلسطین شد. (Ebel 2012, 21) از سال ۲۰۰۲ تاکنون، ۸۸ زن دست به عملیات انتحاری زدند که البته فقط هشت نفر موفق بودند. اکثر این عملیات در اوج انتفاضه دوم فلسطین روی داد. در مارس ۲۰۰۷، حماس یک موزیک ویدئو منتشر کرد که دختر بچه‌ای را نشان می‌داد که تصمیم می‌گرفت دنباله راه مادرش که در عملیات انتحاری کشته شده بود را بگیرد.» (McGrik, Hamad & Klein, 2007, 48-50) بنابراین به نظر می‌رسد که گفتمان حماس درباره نقش زنان در مبارزه، نسبت به آنچه در منشور تاسیس سازمان آمده تفاوت کرده است. مطابق با آن منشور، وظیفه زنان از حد تربیت پسران مجاهد فراتر نمی‌رفت، اما اکنون از عملیات انتحاری از سوی زنان استقبال می‌شد.

پنج. زنان فلسطینی، تحصیلات و اشتغال

سواد و تحصیلات یکی از شاخص‌های رشد اجتماعی اقشار جامعه می‌باشد. با نگاه به متن منشور حماس، نه تنها تاکید و توجهی به این شاخص دیده نمی‌شود، بلکه در مورد زنان، از واژه «آموزش» با لحن منفی و بدبینانه استفاده می‌شود. همان‌طور که گفته شد، در ماده هفدهم منشور، «آموزش» برای زنان ممکن است اسباب دوری آنان از اسلام و انحراف به سوی غرب گردد. با وجود این، افزایش تعداد زنان باسواد و تحصیل کرده از یک سو، و نیاز خانواده‌ها به درآمد حاصل از کار زنان طی نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و قرن سوم موجب ورود و ظهور بیشتر زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و شغلی شد. (www. rasit. org, 2008)

در دسامبر ۱۹۹۵، وقتی حماس تاسیس حزب نجات ملی اسلامی به‌عنوان سازمان سیاسی جدا از شاخه نظامی‌اش را اعلام کرد، راهی برای درگیر شدن جنبش اسلامی در فرایندهای سیاسی جاری در کرانه باختری و غزه با امضای پیمان اوسلو و ورود مقامات ملی فلسطینی باز شد. در صحبت از حقوق گروه‌های متفاوت، از جمله زنان، حزب جدید در بیانیه تاسیس‌اش و ایجاد یک دپارتمان اقدام زنان در غزه، دره‌ایش را به سوی «زنان اسلامی جدید» و تحول چشمگیر در ایدئولوژی جنسی اسلامی در غزه، اگر نه در کرانه باختری - جایی که سیاست حماس تنها متوجه مردان است، هیچ سازمان مشابهی برای حزب نجات برای حمایت سازمانی از زنان مثل دپارتمان اقدام زنان در غزه وجود ندارد - باز کرد. ایدئولوژی جنسی حماس، مثل احزاب سکولار، متناقض و درها به روی برابری زنان تنها تا حدی باز است. به‌علاوه، زنان اسلام‌گرا موفق شده‌اند هیات‌های جالب توجه و سازمان‌یافته زنان را در میان زنان تحصیل‌کرده و حرفه‌ای با پیشینه تنگدستی و پناهندگی ایجاد کنند و حزب نجات یک تمایل فزاینده به ترویج برابری جنسی و آرمان‌های اجتماعی تساوی‌گرایانه نشان می‌دهد، در عین حال به دستور کار آزادسازی ملی هم پایبند است. این پیشرفت‌ها هم از طریق تفاسیر جایگزین از متون حقوقی و دینی اسلامی و هم از طریق التقاط مثبت با گفتمان‌های سایر گروه‌ها، چه فمینیست‌های سکولار و چه ملی‌گرایان حاصل شده است. (Jad, 2011, 176)

زنان اسلام‌گرا موفق به ایجاد هیات‌های اثرگذار و سازمان‌یافته میان زنان تحصیل‌کرده و حرفه‌ای شده‌اند که هم‌زمان با استفاده از گفتمان‌های دنیوی مبتنی بر توسعه پایدار و حقوق زنان و همچنین تفاسیر جدید از متون مذهبی است. (Jad, 2011, 195)

شش. زنان فلسطینی و حکومت‌داری

حماس برای شرکت در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ دعوت به نابودی اسرائیل را کنار گذاشت، هرچند به دعوت به مبارزه مسلحانه علیه اشغال ادامه داد. حماس پس از کسب اکثریت آرا در انتخابات پارلمانی فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶، از ژوئن ۲۰۰۷ بر نوار غزه حکومت می‌کند. (The New York Times, 2006) در آن انتخابات، حماس موفق به کسب ۷۶ کرسی از مجموع ۱۳۲ کرسی پارلمان در مقابل ۴۳ کرسی فتح شد.

حماس برای این انتخابات، یک برنامه تغییر و اصلاح ارایه داد که شامل اصول زیر می‌شد:
 یک. اسلام ناب با دستاوردها و جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و حقوقی‌اش مرجع ما
 و سبک زندگی مان است؛

دو. فلسطین تاریخی بخشی از سرزمین عربی و اسلامی است و مالکیت آن حق همیشگی
 مردم فلسطین است، هیچ عمل نظامی یا حقوقی این حق را تغییر نخواهد داد؛
 سه. مردم فلسطین هر کجا که باشند، مردمی متحد و بخشی از ملت عرب و مسلمان هستند؛
 چهار. حق بازگشت همه آوارگان فلسطینی‌ها به سرزمین و املاکشان، و حق تعیین سرنوشت
 و همه حقوق ملی دیگر، غیرقابل چشم‌پوشی و مسامحه برای مقاصد سیاسی است؛
 پنج. ما از حقوق ذاتی و غیرقابل انکار مردم خود برای سرزمین مان، اورشلیم، اماکن مقدس،
 منابع آب، مرزها و دولت مستقل فلسطینی به مرکزین اورشلیم دفاع می‌کنیم؛

شش. تاکید بر حمایت از وحدت ملی فلسطین یکی از اولویت‌های کنش ملی فلسطین است.

هفت. مساله زندانیان در اولویت دستور کار فلسطین است. (Hroub, 2006, 6)

همان‌طور که مشخص است تمایل حماس به حضور قدرت منجر به کمرنگ شدن رنگ و
 لعاب مبارزه‌جویی در گفتمان آن گردید. در این منشور بر «حقوق»، «ملت عرب» و
 «فلسطین» تا حد قابل توجهی تاکید شد، هرچند کلیدواژه «اسلام» همچنان وجود دارد. در
 شکل‌گیری این تمایل؛ یعنی دوری از خشونت و اقبال به رویه دموکراتیک حکومت، کنش
 گروه‌های اجتماعی فلسطینی، از جمله زنان، قطعاً نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. پیروزی
 غیرمنتظره حماس در انتخابات مدیون رویکرد و توجه سازمان به تعلقات هویتی ملی و تظاهر به
 دوری از تاکید شدید بر جهاد اسلامی بود. زنان تحصیل‌کرده و شاغل، چه اسلام‌گرا و چه
 غیراسلام‌گرا یا حتی غیرمسلمان نیز جذب همین رویکرد حماس شدند.

پس از پیروزی حماس، چنان‌که انتظار می‌رفت، حکومت به تثبیت و اشاعه برخی احکام
 اسلامی نظیر حجاب، پوشش و جدایی جنسیتی تمایل نشان داد. با این حال، از آنجا که بسیاری
 از حامیان حماس، اسلام‌گرا نبودند، این گرایش پایه اجتماعی حماس را به‌خطر انداخت و متعاقباً
 تاکید سازمان بر این مسائل کمرنگ شد. (The New York Times, 2009) در بعد سیاست

خارجی نیز به چانه‌زنی بر سر مرزها و قلمرو با فتح و اسراییل گرایید، که البته در نهایت موجب اعمال تحریم بر حکومت حماس و توقف ارسال کمک به فلسطین شد. روی هم رفته، این مسائل دغدغه‌های حماس را از مبارزه بی‌پروا به چاره‌اندیشی برای حفظ حکومت معطوف کرد. انتخاب خانم مدلل به‌عنوان سخنگوی حماس هم در همین رابطه قابل تحلیل است. انتخاب یک زن ۲۳ ساله مطلقه که در انگلستان بزرگ شده، فارغ‌التحصیل دانشگاه است و سابقه کار حرفه‌ای رسانه‌ای دارد، اسباب شگفتی یا حداقل کنجکاوی بسیاری شد؛ چرا که مطلقه بودن، کار بیرون از خانه و رشد در محیط غیراسلامی، اگر مطابق با سنت‌های حماس ضدارزش نباشند، قطعاً امتیاز هم محسوب نمی‌گردند. شاید بزرگ‌ترین امتیاز این سخنگوی زن تسلط وی به زبان انگلیسی باشد که به‌خصوص در گفت‌وگو و ارتباط با «غربی‌ها» یا همان‌هایی که تا چندی پیش «دشمنان اسلام» خوانده می‌شدند، می‌تواند یاری‌رسان باشد. خانم مدلل هدف خود از همکاری با حکومت حماس را «پیشرفت حرفه‌ای» و «خدمت به کشورش» اعلام کرده و در مقابل گفته است که نسبت به سازمان حماس علقه‌ای ندارد. (Aljazeera, 2013)

نتیجه‌گیری

در بحبوحه انتفاضه اول، حرکت مقاومت اسلامی (حماس) توسط شیخ احمد یاسین تاسیس شد. هدف این سازمان مبارزه با اشغال اراضی فلسطین از سوی فلسطین و نابود کردن دولت یهود اعلام شد. حماس به لحاظ تشکیلاتی نیمه سرتی بوده است و به لحاظ تاکتیکی نیز متنوع عمل کرده و درجات مختلفی از خشونت، عمل اجتماعی، و فعالیت مذهبی را طی دوران وجودش تجربه نموده است. به نظر می‌رسد که پس از گذار از اوج انتفاضه دوم و آغاز هزاره سوم، حماس نسبتاً از خشونت فاصله گرفته و به فعالیت‌های اجتماعی علاقه نشان داده است. نمونه بارز این گرایش شرکت در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ فلسطین بود که با پیروزی حماس همراه شد. این پیروزی نشان داد که حماس تا چه حد به فعالیت اجتماعی، صلح‌طلبی و تنوع سلاقی فلسطینیان توجه نشان داده بود. یکی از عواملی که بر این تغییر گرایش حماس تاثرگذار بود، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان در فلسطین بود. زنان ابتدا با حضور حاشیه‌ای در مبارزات

خیابانی خودی نشان دادند، اما چیزی نگذشت که با ورود به عرصه اشتغال، تحصیل و سیاست، وزن سیاسی - اجتماعی خود را افزایش داده و گفتمان و کنش مبارزه‌جویانه و مردانه اولیه حماس را کمرنگ کردند.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. زارعی، محمد (۱۳۹۲)، ساختار تشکیلاتی حماس از گذشته تا امروز؛

<http://palestine-persian.info>

2. *Aljazeera* (2013), " Hamas Appoints first Spokeswoman," November 11, <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2013/11/hamas-appoints-first-female-spokesperson-2013111013586831738.html> (accessed January 20, 2014)

3. Ebel, Meredith E. (2012), "My Body is a Barrel of Gunpowder: Palestinian Women's Suicide Bombing in the Second Intifada," *Dietrich College Honors Theses*, 4 15.

4. Hroub, Khaled (2006), "A "New Hamas' Through Its New Documents," *Journal of Palestine Studies*, vol. 35, no. 4.

5. Jad, Islah, (2011) "Islamist Women of Hamas: between Feminism and Nationalism," *Inter-Asia Cultural Studies*, vol.12, no. 2.

6. McGrik, Tim, Jamil Hamad, and Aaron J. Klein (2007), "Moms And Martyrs," *Time*, vol.169, no. 20.

7. *The Jerusalem Fund* (1988), "Selected Documets Regarding Palestine; Hamas Charter," <http://www.thejerusalemfund.org/www.thejerusalemfund.org/carryover/documents/charter.html?chocaid=397> (accessed January 20, 2014)

8. The New York Times. Hamas Fights Over Gaza's Islamist Identity. September 5, 2009. <http://www.nytimes.com/2009/09/06/world/middleeast/06gaza.html> (accessed January 20, 2014)

9. Hamas Routs Ruling Faction, Casting Pall on Peace Process (27 January 2006), <http://www.nytimes.com/2006/01/27/international/middleeast/27mideast.html> (accessed January 20, 2014)

10. www.rasit.org. "Women and Education in Palestine: Is Education Improving the Status of Women?" 2008. www.rasit.org/files/women_in_palestine_education.pdf (accessed January 11, 2014)